



زندگی عجیب اهالی روستای ایستا در طالقان+ تصاویر

روستای ایستا یا توقف در حومه طالقان، یکی از عجیب‌ترین روستاهای ایران است. آنها اجازه ورود بانوان به روستای خود را نمی‌دهند و از استفاده از هرگونه از وسایل مدرن پرهیز می‌کنند. در گزارش زیر با این روستای راز آلود آشنا می‌شویم.

روستای ایستا یا توقف در حومه طالقان، یکی از عجیب‌ترین روستاهای ایران است. آنها اجازه ورود بانوان به روستای خود را نمی‌دهند و از استفاده از هرگونه از وسایل مدرن پرهیز می‌کنند. در گزارش زیر با این روستای راز آلود آشنا می‌شویم. گروهی از پیروان میرزا صادق مجتهد تبریزی، فقیه مشهور دوره مشروطه که با الهام از آرای تجددستیز او چنین زندگی را در زمانه تسلط مدرنیته سامان داده‌اند. میرزا صادق مجتهد تبریزی از فقهای بود که در هر دو حیطة نظر و عمل، بسیار بر طرد مطلق اندیشه تجدد و دستاورهایش تاکید می‌کرد و تا پایان عمر بر عدم جواز استفاده از ابزار تکنولوژیک و امور جدید و مدرن فتوا می‌داد.

اهالی روستای ایستا واقع در شرق طالقان اوقات شرعی نماز را با شاخصه‌های خود استخراج کرده و آغاز و پایان ماه مبارک رمضان را نیز با رویت خویش تعیین می‌کنند، به رویای صادقانه معتقدند، آنان به شدت منتظر ظهور امام مهدی (عج) هستند. فرزندان آن بعد از رسیدن به سن تکلیف مختارند که با آنان زندگی کنند یا به شهر تبریز بازگردند، هیچگونه فعالیت سیاسی و اجتماعی نداشته و باورهای خود را تبلیغ نمی‌کنند.

عروسی و عزا ندارند و مراسمی چون جشن تولد، سالگرد ازدواج و... برای آنان معنا و مفهومی ندارد. تا حدودی مهمان‌نواز هستند به شرطی که احدی از زنان قصد ورود به روستای آنان را نداشته باشد. همان‌طور که تا کنون کسی از دنیای بیرون زنان آنان را ندیده است.

مردمان این روستا، برای خرید مایحتاج خود همانند، پارچه، میخ و مقدار بسیار کمی آهن و شیشه و مانند این‌ها به شهر طالقان می‌روند و خودشان آهن‌گری و نجاری دارند. چندان مالکیتی برای اموالشان در میان خود نمی‌بینند و بر سر اموال با کسی نزاع نمی‌کنند و اگر کسی در دارایی آنها تصرف کند با او درگیر نمی‌شوند و از مال خود چشم‌پوشی می‌کنند. در دهکده آنها کسانی را می‌توان سراغ گرفت که تنها ۲ یا ۳ بار به بیرون از محل سکونت خود رفته‌اند. آنها افراد غیر از خود را اهل بیرون می‌نامند.

در بخشی از اراضی این روستا کشاورزی و دامپروری کاملاً سنتی انجام می‌پذیرد. پرورش گاو، گوسفند، طیور (مرغ و خروس) اسب و قاطر از دیگر فعالیت‌های آنان به شمار می‌رود. اهالی روستای ایستا متمول هستند و از طریق فروش زمین‌های پدری‌شان در تبریز و فروش گاو و گوسفند روزگار می‌گذرانند. شناسنامه ندارند و جزو آمار جمعیت ایران به حساب نمی‌آیند. هیچ گونه خدمات دولتی را دریافت نمی‌کنند. خوراکی را که خاستگاه و چگونگی تولیدش را ندانند، مصرف نمی‌کنند و از تناول گندم و میوه‌هایی که با کود شیمیایی و سموم دفع آفات به عمل آمده باشد، به شدت پرهیز می‌کنند. فراوان از لبنیات تولیدی خودشان استفاده می‌کنند. گوشت کم می‌خورند آن هم از گوشت حیوانات نر حلال گوشت. از میهمانان خود با چای پذیرایی می‌کنند، اما خود نمی‌نوشند. مردان در آنجا علاوه بر شلوار نخی یا پشمی دست باف، پیراهن بلندی بر تن می‌کنند که تا زانو را می‌پوشاند و اغلب کلاهی پشمینه بر سر دارند.

آنها برای تردد از اسب و قاطر استفاده می‌کنند. دیده شده که چندین بار در تردد و انجام امور کشاورزی از اتومبیل با بولدوزر، لودر و تراکتور استفاده کرده‌اند. در توجیه این رفتار می‌گویند که به ناچار و به جبر از صنعت و ابزار جدید استفاده می‌کنند. کودکان روستا برای علم آموزی به مدارس طالقان نمی‌روند بلکه به سبک سنتی و مکتب خانه‌ای با فراگیری دروس همانند و اجابت و محرمات فقهی، خوشنویسی و اصول عقاید با سواد می‌شوند. در مجموع ۱۸ تا ۲۰ جلد کتاب در روستای ایستا موجود است که رساله علمیه میرزا صادق مجتهد تبریزی و کتاب خطی سید حسین نجفی طباطبایی از آن جمله است. هیچ کس تاکنون زنان و دختران آنان را ندیده است فرزندان‌شان پس از رسیدن به سن تکلیف متضاد هستند که با آنان زندگی کنند یا به شهر تبریز بازگردند.